

کروزها و بالستیک‌های ایرانی با کمترین مقاومت به مواضع اسرائیلی‌ها اصابت می‌کنند

آسمان تل‌آویو اتوبان موشک‌های ایران



خبرنگار گروه سیاست

فتاح‌های ایران، بامداد چهارشنبه برای اولین بار در آسمان تل‌آویو جولان دادند، همزمان سامانه‌های پدافندی فلاخن داوود در حال خودزنی، پایگاه‌هایشان را به آتش کشیدند.
مقابله نه‌چندان موفق این سامانه‌ها و حملات سسایبری به آنها، توان رهگیری پدافندهای اسرائیل را تا حد زیادی کاهش داده است. مقامات اسرائیلی تاکنون اطلاعات دقیقی از میزان خسارت این سامانه‌ها منتشر نکرده‌اند؛ اما با توجه به تعداد موشک‌ها و پهپادهایی که از ایران شلیک شده است و عدم موفقیت در هدف قرار دادن آنها و پرمبنای اظهارنظر کارشناسان، ذخایر این سامانه‌ها در حال تمام شدن است و صهیونیست‌ها مجبور به جیره‌بندی این موشک‌های گران‌قیمت شده‌اند.
این یعنی شکست «پدافند افسانه‌ای ارتش صهیونیستی» و ناتوانی کامل این سامانه‌ها برای مقابله با پاسخ‌های ایران. حالا در روزهای آینده آسمان تل‌آویو و حیفا، در تسلط کامل موشک‌های ایران خواهد بود.
برای بررسی میزان توانمندی سامانه‌های اسرائیلی و خسارات وارد شده، بعد از پاسخ‌های بامداد چهارشنبه ایران با مهدی بختیاری، کارشناس حوزه دفاعی گفت‌وگو کردیم که در ادامه مشروح آن را از نظر می‌گذرانید.

■ ■ ■

با گذشت ۵ روز از پاسخ‌های ایران و تهاجمات اسرائیل، رژیم صهیونیستی در حوزه نظامی و دفاعی تاکنون چه خسارت‌هایی را متحمل شده و در چه وضعیتی قرار دارد؟

از دو نقطسر منظر باید موقعیت نظامی و دفاعی اسرائیل را نگاه کرد، یکی حوزهٔ آفندی و دیگر حوزهٔ پدافندی. در حوزهٔ پدافندی؛ اسرائیل یکی از گران‌قیمت‌ترین و پیشرفته‌ترین پدافندهای دنیا را دارد و هزینه‌های زیادی برای پدافند با کمک آمریکایی‌ها، صرف شده است. سامانه‌هایی که ساخته شده‌اند همه‌شان بر پایه تکنولوژی روز دنیا و بسیار پرهزینه هستند. اما پیش از جنگ مشخص شد که این سامانه‌ها – به‌ویژه در عملیات وعده صادق ۲ – در مقابل موشک‌های بالستیک ایران توانمندی خیلی بالایی ندارند. در عملیات وعده‌صادق ۲ دیدیم که عمده موشک‌ها از پدافند اسرائیل عبور و به هدف اصابت کردند. بعد از این حمله بود که اسرائیلی‌ها دوباره پدافندشان را تقویت کردند و از آمریکایی‌ها سامانه «تاد» را گرفتند. الان و در این ۱۱ موج حمله موشکی که صورت گرفته، بازهم می‌بینیم خیلی از موشک‌ها همچنان به هدف اصابت می‌کنند. در چند ساعت گذشته، مراکز مهمی در تل‌آویو مثل مقر موسسات، پایگاه‌های نظامی و پالایشگاه حیفا و نیروگاه برق حیفا، همه مورد اصابت قرار گرفتند. علی‌رغم اینکه خسارت‌ها به‌شدت سانسور می‌شود – اعلام هم می‌کنند؛ یعنی سانسورشان پنهانی نیست، رسمی است و اعلام می‌کنند که کسی حق انتشار تصاویر و اطلاعات از این نقاط را ندارد. – اما باز هم می‌بینیم تصاویری که منتشر شده نشان می‌دهد این موشک‌ها به هدف اصابت کرده‌اند. در کنار این‌ها، موضوع جالب دیگر، تعداد زیاد اشتباهات فنی سامانه‌های موشکی آن‌هاست که تحت عنوان «خودزنی» امروز در رسانه‌های ما منتشر می‌شود. این سامانه‌ها



بسیاری‌شان وقتی شلیک می‌شوند، دچار خطا می‌شوند و نزدیک خودشان به زمین برخورد می‌کنند و بر می‌گردند و خسارت‌های زیادی به بار آورده‌اند.

این خطاها و خودزنی‌ها، نقص این سامانه‌هاست یا تحت حملات سایبری ایران قرار دارند؟

این خطا را می‌شود از چند منظر نگاه کرد، یکی از آفندهایی که ایران انجام می‌دهد، در حوزه سایبری است. سعی می‌کند این سامانه‌ها را مختل کند که آنها در عملکردشان دچار مشکل شوند. در کنار آن نشان می‌دهد تبلیغات سنگینی که آنها درباره تجهیزات پدافندی‌شان می‌کنند، واقعی نیست و این خسارت‌ها را به بار می‌آورند و البته ناتوانی‌شان در هدف گرفتن موشک‌های ایرانی هم به‌خاطر پیشرفته بودن این موشک‌ها نیز است؛ مثلاً در میان موشک‌ها، موشک‌هایی مثل فتاح، طوری هستند که تجهیزات پدافندی اسرائیل به راحتی نمی‌توانند با آنها مقابله کنند.

این سامانه‌ها چگونه عمل می‌کنند و میزان توانمندی آنها چقدر است؟
پدافند یعنی تجهیزاتی که بتواند علیه اهداف هوایی در سه سطح: ارتفاع پست یا پایین، ارتفاع متوسط و ارتفاع بالا عمل کند. این پرتابه‌ها می‌تواند موشک، هوایمای بدون سرشیش، موشک کروز، موشک بالستیک، کروزکوتر و حتی هوایمای جنگنده باشند. همه این‌ها به نوعی پرتابه‌های متخاصم هستند و پدافند باید بتواند این‌ها را هدف قرار دهد. اسرائیلی‌ها به‌خصوص بعد از جنگ سال ۲۰۰۶ با حزب‌الله (جنگ ۳۳‌روزه)، چند لایه پدافندی برای خود طراحی کردند که مشهورترین سامانه‌ای که شناخته‌شده‌تر است و در ارتفاع پایین کار می‌کند، گنبد آهنین است که برای مقابله با پرتاب‌هایی که از طرف حماس یا حزب‌الله صورت می‌گیرد طراحی شده تا بتواند با آنها مقابله کند. اما گنبد آهنین برای مقابله با موشک‌های بالستیک نیست. برای



موشک‌های بالستیک، سامانه‌های دیگری طراحی کرده‌اند مثل سامانه فلاخن داوود یا پیکان، که می‌توانند با موشک‌های بالستیک دوربردتر مقابله بکنند. البته این سامانه‌ها مثل گنبد آهنین کامل نیستند و صددرصد امتحان خودشان را پس نداده‌اند، اما هم به لحاظ فناوری و هم به لحاظ مالی بسیار هزینه‌بر بوده‌اند. این موشک‌ها می‌توانند پرتابه‌ها را حتی در خارج از جوشناسایی و رهگیری و با آنها مقابله کنند. در ارتفاع ۲۰۰ تا ۳۰۰ کیلومتر می‌توانند با اهداف درگیر شوند. بسیار پیشرفته هستند و قدرت زیادی دارند. اما وقتی می‌بینیم موشک‌های ما از سامانه‌ها عبور می‌کنند، نشان‌دهنده قدرتمندی موشک‌های ماست. مثلاً موشک «فتاح» با سرعت زیاد و قدرت مانوردهی می‌تواند با این سامانه‌ها مقابله بکند و از آنها عبور کند. به‌طور کلی وقتی سامانه پدافندی به سمت هدف شلیک می‌شود، به‌دلیل الگوریتم حرکتی که پرتابه‌ها دارند و با بررسی سرعت و مختصات، می‌تواند پیش‌بینی کند که این پرتابه در چند ثانیه بعد در چه مختصاتی قرار دارد و می‌تواند آن را هدف قرار دهد. اما وقتی سرعت موشک شما خیلی زیاد باشد و قدرت مانوردهی هم داشته باشد، محاسبات آن پدافند به‌هم می‌ریزد. به همین خاطر نمی‌تواند با آن مقابله بکند که ما امروز شاهد هستیم بسیاری از موشک‌های ما به همین شکل از سامانه‌های پدافندی اسرائیل عبور می‌کنند.

تاکنون آمار دقیقی از میزان موفقیت با عدم موفقیت این سامانه‌ها منتشر شده است؟

آمار دقیق وجود ندارد. چون نه طرف ایرانی تعداد موشک‌های پرتاب شده را به‌صورت رسمی اعلام کرده و نه طرف اسرائیلی اجازه می‌دهد منتشر شود که چقدر از این موشک‌ها به هدف اصابت کرده و رهگیری شده است. اسرائیل اخبار را به‌شدت با سانسور منتشر می‌کند. قبل از هر موج حمله اطلاعیه صادر می‌شود و گفته می‌شود تصویرپرداری و انتشار آمار ممنوع است. به

دلیل نداشتن آمار، فقط از فیلم‌هایی که جسته و گریخته منتشر می‌شود، می‌توان حدس زد که در یک موج چند درصد موشک‌ها اصابت کرده است اما در وعده صادق ۲ طرف ایرانی اعلام کرد که ۲۰۰ موشک شلیک شده و بیش از ۸۰ درصد از آنها به هدف خورده است. اما چون هنوز آمار اعلام نشده، خیلی نمی‌توان درباره‌اش صحبت کرد.

این سامانه‌ها در هر ساعت چه تعداد هدف را می‌توانند مورد اصابت قرار دهند؟

پدافند یک مرحله شناسایی دارد، یعنی تشخیص می‌دهد که مثلاً Nتعداد پرتابه به سمت آنها در حال حرکت است و در کنار آن می‌توانند هم‌زمان مقداری از آنها را رهگیری کنند و برخی را بزنند. مثلاً اگر تشخیص بدهند ۱۰۰ پرتابه می‌آید، می‌توانند ۵۰ تای آن را رهگیری کنند و ۳۰ تای آن را مورد اصابت قرار دهند. این اعداد البته مثال است.

در عملیات بامداد چهارشنبه، یکی از اهداف، هدف قرار دادن همین سامانه‌های پدافندی بود.

هدف قرار دادن پدافندهای دشمن جزو اهداف ما بوده و است. این را حتی در حملات موشک‌ها داشتیم. کمااینکه اصلاً برخی از این موشک‌ها، موشک‌های ضدپدافند است و می‌توانند تشعشعاتی را که از این سامانه پدافندی منتشر می‌شود؛ بگیرند و به سمت آن حرکت کنند و آن را مورد اصابت قرار دهند. برخی از این موشک‌ها این قابلیت را دارند، از جمله موشک هایپرسونیک فتاح. در تصاویر هم داشتیم و این اتفاق هم واقعاً در حال رخ‌دادن است. ولی من معتقدم علاوه‌بر این حملات، یک جنگ سایبری شدید برای مختل کردن این سامانه‌ها در جریان است. اگر به همین حمله روز گذشته و موج قبلی نگاه کنید، سامانه «فلاخن داوود» بود که موشک آن بعد از شلیک منحرف شد و برگشت و نزدیکی سامانه خودشان به زمین خورد که آتش سوزی به اندازه آتش‌سوزی ناشی از اصابت موشک‌های خودمان شکل گرفت و خسارت زیادی وارد کرد. ما چند بار این را در این جنگ دیدیم. در حملات قبلی هم البته مشاهده کردیم. نباید از این مسئله غافل شد؛ هرچند هنوز جزئیاتی از آن نداریم، اما حدس من این است که با حملات سایبری هم خسارت‌هایی به این سامانه‌ها وارد شده و آنها را از کار انداخته است.

با توجه به خسارت‌هایی که به سامانه‌ها وارد شده، احتمالاً در روزهای آینده ضرباتی که اسرائیلی‌ها خواهند خورد سنگین‌تر خواهد بود.

پدافند دارد کار می‌کند؛ اما باز هم دچار خسارت زیادی می‌شود. هر چقدر این پدافند ضعیف‌تر باشد، طبیعتاً موشک‌های بیشتری به هدف اصابت می‌کنند و خسارت‌های بیشتری به بار می‌آورند. به هر حال، آنها با این سامانه‌ها از مناطق جمعیتی‌شان حفاظت می‌کنند. هر چقدر این سامانه‌ها ضعیف‌تر شوند، راه برای موشک‌ها بازتر خواهد شد. همین الان هم البته راه آسمان تل‌آویو و حیفا برای موشک‌های ما باز است. پالایشگاه حیفا، نیروگاه برق آن و جاهای مختلفی در تل‌آویو مورد اصابت قرار گرفت. این نشان می‌دهد راه باز است، اما هر چقدر این سامانه‌ها ضعیف‌تر شوند، طبیعتاً کار آسان‌تر خواهد بود.

در حالی که در عمر ۸ ماهه جنگ عراق و کویت ۱۳ قطعه‌مان به این موضوع پرداخت. سراسر منشور سازمان ملل متحد از برابری انسان‌ها، شعر می‌گوید اما وقت تقسیم قدرت که رسیده، فقط ابر قدرت‌ها را دعوت کرده است سر سفره. در چنین دنیایی، اگر روزی مطابق میل سهامداران اصلی سازمان ملل نباشی، از تو می‌خواهند که نباشی! ساده‌تر از آنچه که فکر کنی بودن‌ت را وتو می‌کنند و روی سنگ قبرت دسته‌گل می‌گذارند. جمهوری اسلامی مانند بخش قابل توجهی از کارنامه کاری‌اش بعد از انقلاب، از فرصت نهادهای بین‌المللی استفاده‌اش را کرده و خواهد کرد، اما این ساده‌انگاری است که فکر کنیم این مهره، می‌تواند ورق بازی را برگرداند. ما ایستاده در میانه جنگی هستیم که غبار واقعیت‌گریزی‌اش رهزن است و فریبنده. باید پذیریم که جنگ اتفاق افتاده. باید بپذیریم که از آن گریزی نبوده و با یک جنگ تحمیلی دیگر طریم. بیش از همه این‌ها باور کنیم کسی که خود این جنگ را شروع کرده، حق ندارد و نمی‌تواند برای چگونگی پایانش نسخه بییچد. هر باوری غیر از این، واکنشمان را و به تبع آن سرنوشتمان را به کاریکاتور تبدیل می‌کند. با پذیرش این واقعیت است که زندگی را معطل جنگ نگاه نخواهیم داشت و تنها با فهم این واقعیت است که امکان پیدا کردن پاسخ‌های واقعی متناسبِ وضعیت تحمیل شده را خواهیم داشت. اگر جرت پذیرش این واقعیت را داشته باشیم، نقطه ضعف دشمن را به نقطه قوت خودمان بدل کرده‌ایم؛ در همین چند روز پس از جنگ از تغییر مواضع ساعت به ساعتان می‌توان متوجه شد که بزرگ‌پاشنه آشیلی که فعلاً معلوم شده، این است که هنوز واقعیت مردم ایران را نشناخته‌اند. ایم را با همان لیکنند گوشه لب امام(ره) بخوانید وقتی می‌گفت: «دشمن باید دعا کند این شعار الله اکبر از دست ملت ما گرفته شود، که این اتفاق نخواهد افتاد.» حالا که جنگ بخشی از سرنوشت ماست، باید مثل خانم امامی، تا لحظه آخر پشت میز بنشینیم و چشم در چشم دوربین‌ها، دیالوگمان را به پایان برسانیم تا صحنه را آن طور که هرگز فکرش را نمی‌کنند، عوض کنیم.

نرم ایران دارد که در آینده بساجنگ به زودون هر چه بیشتر تصویری که غرب به‌عنوان یک ایران عقب‌مانده برای مردمش بازنمایی می‌کند، کمک خواهد کرد. تصویری که برخی وطن‌فرشان ازازان قیمت و جایزه‌بگیران دولت‌های غربی هم به آن کمک می‌کردند اکنون با نمایش توانمندی‌های نظامی در مقابل قدرت‌های غربی زیر سؤال رفته و ایران به‌عنوان تنها کشور منطقه که با قاطعیت در مقابل جنایات رژیم صهیونی متجاوز در غرب آسیا ایستاده، وزیرمروژ جای بیشتری در دل مردم آزاده جهان باز می‌کند. آن هم مردمی که با وجود انبوهی از برخورد‌های قهری دولت‌هایشان همچنان به عدم همراهی با سیاست‌های دوگانه غرب خود را متعهد می‌دانند و ۲ سال است که بدون وقفه برای آزادی مردم غزه شعار «free free palestine» سر می‌دهند.

پخش زنده حملات موشکی ایران در شبکه الجزیره و توییت‌های حمایتی و حماسی از اقدام ایران هم که دیگر اقتدر گسترش یافته که نیاز به توصیف ندارد. دامنه کمپین‌های حمایتی از ایران اما الان دیگر صرفاً به منطقه محدود نیست. حتماً ویدئوهای کمپین مجازی که اخیراً در جهان به راه افتاده و در آن مخالفان جنایات اسرائیل در غزه، لبنان و ایران ناراحتی مردم اسرائیل از آسیب‌های متحمل شده در حملات موشکی ایران را به‌نشانه‌همدردی با مردمی بگیرند. منشور نوشتند اما نتوانستند خوی جنگلی و بدویشان را حداقل روی کاغذ هم که ششده، نشان ندهند. برای مثال در این بازی، ممکن است نمایندگان کشورهای عضو، شیک و مرتب بنشینند و برای توقف ماشین کشتار صهیونیست در غزه قطعه‌نامه بنویسند و موافق باشند، اما یکی از این ابرقدرت‌ها بسا یک‌رای مخالفش، همه رای‌های موافق را بی‌اثر کند. اینجا اکثریت معنا ندارد که چیزی بخواهد یا نه! در نتیجه چنین سازوکاری است که در طول ۸ سال جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران، فقط ۱۷ قطعه‌نامه صادر شد،

گروه‌های همجنس‌گرایی و فمینیستی برای دریافت کمی توجه و کاسبی براندازی تا جایی که می‌توانستند فهم پوچشان از آزادی مورد ادعای غرب را عریان کردند. کره جنوبی هم که هنوز بدهی چند میلیارد دلاری خود به مردم ایران را زیر ادعای تحریم پرداخت نکرده است، در آن سر دنیا می‌زبان تجمع دیگری بود تا به این ترتیب ایران از شرق و غرب عالم در این نبرد تحمیلی حامی مردمی داشته باشد. در کشورهای منطقه نیز حمایت از ایران بیشتر از گذشته نمود پیدا کرده است. بعد از تجمعات پی‌پی‌دری در یمن روز گذشته مردم کربلا به خیابان آمدند و از ضربات وارد شده به اسرائیل ابراز خوشحالی کردند. به این تجمعات ویدئو افتخارکردن کارشناس عراقی به پرچم ایران روی آتش زنده را هم اضافه کنید. کامنت‌های کاربران عرب در فضای مجازی زیر

مردم کشوری که دولتش پیش از این در همکاری کامل با اردوگاه معاندان به اصطلاح «متناق» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تروریست اعلام کرده بود اکنون در خیابان‌های تورنتو راهپیمایی برگزار کرده و با لحن‌ها و وزن‌های گوناگون انگار که دارند تیم ملی کشورشان را در یک استادیوم فوتبال حمایت می‌کنند ندای «ایران، ایران» مسر می‌دهند تا این‌گونه به رزمندگان سپاه برای تداوم باسغ قاطع به رژیم صهیونیستی انگیزه و روحیه بدهند. یک‌قاره آن طرف‌تر در خیابان‌های هلند هم مردم پرچم ایران را در دست گرفته و این‌گونه عملیات موشکی ایرانیان در واکنش به تجاوز اسرائیل به خاک کشورشان را تحسین می‌کنند. هلند همان کشوری است که در آشوب‌های ۱۴۰۱ حامی زنده‌ترین تجمع حمایتی از آشوبگران داخل ایران بود. تجمعی که در آن

فرهنگی‌نگار